جمهوری اطلاعات

اصل «فقط یک بار» در اروپا چیست؟

حامد اکبری
پژوهشگر اقتصاد اطلاعات

«The once only principle» قانون یا اصل «فقط یک بار» نام طرحی زیرساختی و بلندپروازانه در اروپاست که با وجود ظاهر و ماهیتی کاملا فنی و از جنس فناوری اطلاعات، در واقع طرحی به‌مثابه یک سیاست است که می‌تواند در آینده فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک و همچنین رشد بخش خصوصی اروپایی نقشی ویژه و تاریخی ایفا کند. این پروژه از ژانویه ۲۰۱۷ آغاز شده است و بنا دارد در ۳۰ ماه با همکاری کشورهای مختلف اروپایی، مرحله اجرای آزمایشی خود را در چند حوزه مشخص گذرانده و بعد از حل و رفع مشکلات احتمالی و اجرائی، به‌عنوان یک سیاست اروپایی در سراسر قاره اروپا به اجرا گذاشته شود. آنچه این یادداشت قصد پرداختن به آن را دارد، در ابتدا شرح اجمالی پروژه و در ادامه تشریح بُعد خلاقانه یک پروژه بین‌المللی است که در ابعاد مختلف برای اکوسیاری دولت الکترونیک کشور ایران بسیار اثهام‌بخش خواهد بود.

طرح «فقط یک بار» که به صورت مخفف آن را Toop می‌نامند، در اروپا برای پاسخ‌دادن به مشکل مشخصی در بوروکراسی اداری تعریف شده است. هدف این طرح، حذف رویه‌دل‌کردن مدارک حقوقی، هویتی، خدماتی، بازرسی، پزشکی و تحصیلی به صورت کاغذی در تمام سطوح خدمات اداری در دستگاه‌های دولتی، بین شهروندان با دولت‌ها، اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) با دولت‌ها و همچنین شرکت‌های بین‌المللی در تعامل با شرکت‌های دیگر است.

اجرای این طرح از دو الگو پیروی می‌کند؛ الگوی نخست، متصل‌کردن تمام بانک‌های اطلاعاتی کشورهای حوزه اروپاست که شامل ۱۹ کشور عضو اتحادیه و دو کشور خارج از اتحادیه است که در پروژه یادشده حاضر هستند و حدود ۶۰ سیستم اطلاعاتی و پایگاه‌های آن ذیل یک کنسرسیوم مشترک همکاری خواهند کرد.

الگوی دیگر، ایجاد فضایی برای ارائه خدماتهاراانه اطلاعات و مدارک قبدشده از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی، فقط به یکی از دستگاه‌های دولتی و سپس امکان اشتراک‌گذاری آنها در تمام فعالیت‌های داخل اتحادیه است‌ارائه است. به عبارت دیگر، با این طرح، هر فرد حقیقی و حقوقی فقط یک بار همه مدارک و اطلاعات خود را در کوشه‌ای از اکوسیستم Toop که متشکل از تمام ادارات ۲۱ کشور است، وارد کرده و در همه این کشورها و فضای فعالیت این آنها، به‌جای رویه‌دل‌کردن یا ارائه دوباره مدارک و اطلاعات، وکالت ارسال مدارک و اطلاعات را به Toop داده و این سرویس از طریق Toop انجام می‌شود. از مهم‌ترین جاش‌های طراحان و دست‌اندرکاران پروژه Toop، مشکل غیرمصالحی و همگن‌بودن بانک‌های اطلاعاتی، تنوع روش‌های ثبت و نگهداری مدارک و اطلاعات و داده‌ها و همچنین تفاوت سیاست‌ها و قوانین بود. آنها در یک محیط دارای بیش از ۲۰۰ سیستم اطلاعاتی و پایگاه‌های داده، به مراحل طراحی، سیاست‌گذاری، پیشنهاد و تصویب قوانین لازم، کنترل و نظارت بر آنها و همچنین یادگیری و فرهنگ‌سازی حین اجرا را بر عهده تیمی متشکل از همه کشورهای ذی‌نفع پروژه گذاشته و در ۳۰ ماه تا اجرای آزمایشی آن، تمام ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری و طراحی آن مشارکت دارند که طبعتا بهترین مسیر برای رفع موانع احتمالی و اجرای مشروع نمایندگان تیم Toop خواهد بود. از مزایا و فواید Toop، با نیز گزارش‌های کمی و کیفی منتشرشده از سوی رسانه Toop، می‌توان به صرفه‌جویی مقدار و وقت افراد حقیقی و حقوقی در تماس با بوروکراسی، کاهش بار اداری دولت‌ها، کاهش ملموس هزینه توسعه و فرایندهای اجرائی کسب‌وکارها، کاهش آلودگی صوتی‌ها و حفاظت از محیط زیست، بهبود دیری در خدمات و کارایی اداری و دولت الکترونیک، بهبود زیرساخت‌ها و عملکرد بازار دیجیتال و افزایش رضایت عمومی از دولت‌ها اشاره کرد. گام‌هایی که Toop از ابتدای طرح برداشته، عبارتند از: استاندارسازی و همکاری ساختار حجم‌آوری اسناد و همچنین توسعه مدل‌های موجود و شبیه‌سازی آنها به همدیگر در قدم اول، در قدم بعدی ۱۲ ماه تست کرم و در شرایط واقعی برای کشف اجرائی‌بودن یا نبودن طرح که البته صرفا برای مقایسه سریار و به عقیده طراحان از اجرائیات کار بوده است و همچنین فرهنگ‌سازی اقناعی تکتک افراد و نمایندگان کشورها در فهم و پذیرش Toop. البته آموزش و آماده‌سازی آنها به‌عنوان سفیران Toop در کشورهایشان نیز از گام‌های اساسی Toop بوده است.

در رابطه با الزرق هیچ جای کشور محدودیت نداریم. بدیهی است در دیدای ۹۲ که دولت یازدهم آغاز به کار کرد، ما چهار مشکل اساسی داشتیم که بعضی کم و بیش تحت وقت و بقیه در مسیر حل است. الزامی در رابطه با برق و گاز است. خوشبختانه با تفاهمی که با شرکت گاز کردیم، الان فقط گاز تامین شده است. مراحل تلوی آن در حال انجام است. پیش‌بینی ما این است که تا قورودین و اردیبهشت ماه، مسئله برق و گاز کارخانجات آنها که شامل ۹ کارخانه است، حل شود. هم از نظر گاز و هم از نظر برق مشکلات این مناطق به‌زودی حل می‌شود اما دو مشکل دیگر باقی می‌ماند. مشکل آب و واه‌آمن در این منطقه باقی می‌ماند. چون ایران جزو کشورهای خشک است و اکثر نقاط آن مشکل آبم دارد. خواف هم جزء یکی از مناطق خشک است. چند اقدام برای حل این مشکل انجام شد. ضمن اینکه در مورد مسئله سنگان، وزارت نیرو در سال‌های گذشته و در دولت نهم، تقبل کرده است که مشکل آب آنجا را حل کند. ولی متاسفانه این کار را نکرده است. برای حل مشکلات زیرساختی آنجا یک شرکت زیرساخت تشکیل دادیم. این شرکت در حقیقت صورت‌بندی شده ما سرمایه‌گذاران، مشکل گاز و برق را حل کردند. در مورد آب با همکاری وزارت نیرو و آب منطقه‌ای قرار شد آنجا از آب‌های شور منطقه که روان است، استفاده کنیم و با شیرین‌سازی این آب، بتوانیم نیازهای بخش خصوصی را تأمین کنیم.

فقط شیرین‌سازی آب رودخانه‌های شور را در دستور کار دارید؟

بله. البته آب زیرزمینی شور را هم استفاده می‌کنیم. در نمکزار زمانی که رئیس‌جمهور روحانی خطاب به معصومه انتکار، ریاست وقت سازمان محیط زیست در هنگامه آغاز دولت یازدهم گفت قرار نیست شما در محیط زیست بمانید، بسیاری برخلاف خانم انکار، از این خطاب شوکه شدند، کمااینکه از انتخاب کلانتری به ریاست این سازمان، با رجوع به نوع مهرجویی دولت برای اجرای سیاست‌های توسعه‌ای برنامه ششم نیز به صرفه نبود فرنقند. اما حیات روحانی از کلانتری، در نشست مشترک استانداران، وزرا، رؤسای سازمان‌های اقتصادی و مدیران مؤسسات عالی و اعتباری و دفاع تمام‌قد از او که گفته بود کشور روحانی تمام موانع استقلال‌زایی را در حوزه محیط زیست برداشته است. این یعنی سرعت حرکت توسعه کشور و تلاش برای رسیدن به نرخ رشد اقتصادی بالاتر می‌پندارد. با اسلاف خود در دولت‌های مختلف رئیس و چپ حاکمیتی تفاوت ماهوی ندارد. در این رویکرد، توسعه امری کمی، آمرانه، تک‌بعدی، سطحی و از همه مهمتر مبتنی است با درکی کلیشه‌ای و محدود از صنعت و استقلال‌زایی. در چنین رویکردی، توسعه اجتماعی- سیاسی و ارتقای کیفیت زیست افراد در بروز توانایی‌ها و شکوفایی استعدادها و تعامل محیط زیست و حفظ حیات ایندگان، گاه به عمد، معطوف مانده، منابع انسانی و طبیعی به ورودی‌های صرف یک سرمایه‌گذاری تبدیل شده‌اند. در ایران بهره‌وری این ورودی‌ها، ارزان‌سازی نیروی کار و تسهیل دسترسی و برداشت از منابع طبیعی و کالایی‌سازی بورت و استان مازندران، تیم‌های نجات را سریعا اعزام کردیم و آنجا‌تر، کروه‌های اولیه بودند که به آنجا رسیدند. از اینکه مسئولان و تیم‌ها توانستند این‌جا اعزام شدند، تا جایی که مطلع هستم بیش وزارت کار و رفاه اجتماعی و صنعت و معدن و به‌ویژه نظام مهندسی معدن تیم‌هایی معین شد و تا جایی که بنده مطلع هستم، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مسئولیت داشت با همکاری اداره صنعت و معدن استان به مسائل کارگران کرد. تا جایی که اخرین خبر را دارم، در دو جلسه با سحور مسئولان و وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر از معاونت معدنی و همچنین نظام مهندسی خواست مسائل را با همکاری وزارت تعاون پیگیری کنند. نکته بسیار مهمی که در ارتباط با مسائل معادن زغال سنگ هست، مسئله اصلی در این معادن است. سازمان نظام مهندسی مامور شد که مشکلات این معدن معادن را که اکثر قریب به اتفاق آنها معادن زغال سنگ هستند، پیگیری و مشکلاتی یک ایند. کی کار انجام شد. در حقیقت تیم ویژه‌ای تحت مدیریت سازمان نظام مهندسی با همکاری معدن معادنی و اپیمدیرو تمام معادن را بررسی کرد و در جهت ارتقای آن وارد عمل شدیم. اما ما فکر می‌کنیم یکی از مشکلات معادن زغال سنگ، درآمدی است که این معادن باید داشته باشند. درآمد آنها متاسفانه وصل به وصول مطالبات آنها از دوآهن است. چون محصول آنها یک خریدار انحصاری دارد، موجب شده است که اینها با عدم پرداخت قیمت واقعی زغال سنگ توسط دوآهن و چاچزینی نیازهای داخلی از طریق واردات زغال سنگ از خارج، آسیب ببینند. صاحبان این منابع به دلیل مشکلات مالی اغلب کلمه‌شد ضعیف و پولی برای سرمایه‌گذاری بهتر برای ایجاد ایمنی بیشتر، در اختیار ندارند. قیمت‌های جدید زغال سنگ اخیرا ابلاغ شده است. امیدوارم دوی‌آهن مطالبات معادن زغال سنگ را پرداخت کند و با تسویه‌حساب‌های قدیمی‌تر در این معادن به‌وجود آید.

اپیمدیرو یک نهاد تخصصی است. بهتر نبود تمام مسائل معادن را به اپیمدیرو بسپارید؟

با سیاست‌های اخیری که ریاست‌جمهوری به یک بانک‌ها و مؤسسات ابلاغ کرده است، این مجموعه‌ها باید از بنگاه‌داری بیرون بیایند. همین طور این مسئله به صندوق‌های بازنشستگی هم ابلاغ شده است. خوشبختانه به تدریج هم خروج این مجموعه‌ها از بنگاه‌داری شروع شده است. پیش‌بینی ما این است که آنها به زودی از بخش معدن خارج خواهند شد. با توجه به نظر و دستور مقام معظم رهبری، نظامی‌ها در این حوزه حضورشان کمتر خواهد شد و بخش خصوصی واقعی نزدیک به صدردصد معدن کشور را به دست خواهد گرفت.

بخش خصوصی توان مالی این را دارد که معادن را در اختیار بگیرد؟

خیر. ممن صراحتا اعلام می‌کنم که بخش خصوصی توان حضور در بخش معدن را ندارد. باید سازوکار آن را بیان پیش کند. در غیر این صورت نگرانم که گچه اتفاقی برای معادن رخ خواهد داد. در اپیمدیرو تلاش می‌کنیم زنجیرها را درست کنیم. تلاش می‌کنیم در زنجیره تولید فولاد کارخانه‌های بزرگی مثل فولاد خوزستان یا ذوب‌آهن را که معدن ندارد، وارد کنیم و آنها را سیاه‌مدار معدن‌های کنیم و فروخته می‌شوند. ولی اساسا فکر می‌کنم در مورد خصوصی‌سازی، کل اقتصاد کشور چه در بخش معدن و چه سایر بخش‌ها، بخش خصوصی توان جذب این میزان سرمایه‌گذاری را ندارد. با توجه به اینکه ورود سرمایه‌دار به کشور خیلی کند است و اکثرا سرمایه‌گذاران خارجی در ایران حضور ندارند، دولت باید سازوکارهای دیگری در پیش بگیرد. با اقساط بلندمدت برای بخش خصوصی در نظر بگیرد یا مدیریت واحدها و مدل‌های دیگری را برای بخش خصوصی‌سازی در دنیا نجربه شده از جمله در آلمان و دیگر کشورها، استفاده کند.

معدن بود ۱۳ اردیبهشت امسال منتجر شد. یک معدن خصوصی هم بود. چه اقداماتی برای حفظ حقوق کارگران این معدن انجام شد؟

شما می‌دانید که معدن بورت متعلق به ما نبود و حفظ ایمنی آن در حیطه وظایف معادن و اپیمدیرو قرار می‌گرفت. ما در جلسه‌ای با حضور آقای دکتر نعمت و اداره کل صنعت و معدن استان، مسئول این کار است. به‌عنوان کسی که مسئولیت داشتیم، در زمان بروز این حادثه از معادن اطراف خواف و دشت زوزن از این منابع استفاده می‌کنیم. سهمیه کمی هم از یک سد به تخصیص داده‌اند اما اصلش استفاده از منابع شورین‌شده آب شور منطقه و یساب تصفیه‌شده شهرهای تربت‌حیدریه و مشهد است. امیدواریم خط لوله شرق که پس‌بینی شده از دریای عمان کشیده شود، مسئله آب منطقه را با همکاری وزارت نیرو حل کند. اخیرا جلسه خوبی با وزیر نیرو و صنعت، معدن و تجارت برگزار شده است. تصمیم خوبی هم در این باره گرفته شد. درباره تخصیص آب شور منطقه هم قصد داریم با سرمایه‌گذاری‌ای که می‌شود، بتوانیم از آب شور گذرا که به سمت افغانستان می‌رود، استفاده کنیم.

کتینه معادن برای افراد بومی اشتغال ایجاد می‌کنند. اغلب مردم ساکن در مناطق معدنی معترض هستند که نیروهای بومی جذب معادن نمی‌شوند. مردم مجاور معدن بوکسیت شاهوار بخشی از این معترضان هستند و می‌گویند از ۱۰۰ نیروی فعال در این معدن، فقط یک نفر بومی است. در خیلی از معادن دیگر هم این بحث مطرح است. برای بومی‌گیری در معادن برنامه خاصی دارید؟

در رابطه با سیاست‌هایی که دولت و به ویژه اپیمدیرو دارد، در هر جا به پروژه‌های اجراشده توسط ما نگاه کنید، بحث بومی‌گزینی را پیگیری کرده‌ایم و این مسئله جزء سیاست‌های ماست و اقدامی عقلانی به حساب می‌آید. زیرا افراد بومی در محل ساکن هستند و هزینه تمام‌شده طرح با کمک‌گرفتن از این افراد کمتر می‌شود. همچنین با توجه به علقه مردم بومی، بومی‌گزینی در پروژه منطقی‌تر است و البته حق هم همین است که مردم بومی در آن پروژه‌ها حضور داشته باشند. به همین دلیل در آن چهار پروژه آمن اسفجرنی که افتتاح شد، با آگهی عمومی و امتحان، گزینش از نیروهای بومی انجام شد. بدیهی است که صددرصد از نیروهای بومی نمی‌توان استفاده کرد اما در اکثریت موارد می‌توان از این نیروها بهره برد. هدف اصلی استفاده از نیروهای منطقه و استان است. برخی تخصص‌ها هست که ممکن است در شهرستان نباشد و از استان گرفته می‌شود. بومی‌گزینی جزء سیاست‌های اساسی است اما در بخش خصوصی بعضا ممکن است این اتفاق نیفتد. البته احساس می‌کنیم بخش خصوصی هم آدم‌های عاقلی هستند و به این سیاست‌ها توجه می‌کنند.

چه تعدادی از معادن کشور دست بخش خصوصی واقعی است

و چه تعدادی در اختیار نهادهاست؟

به‌صراحت می‌توانم بگویم که بیش از ۹۶ درصد معادن کوچک، در اختیار بخش خصوصی واقعی است.

معادن کوچکی که غیرفلزات هستند. دست بخش خصوصی واقعی است؟

خیر. این معادن اقتصادی هستند. معادن کوچک و متوسط دست بخش خصوصی است. در حقیقت بیشترین معادن ما، دست بخش خصوصی است.

منظور بخش خصوصی واقعی است؟

بله. معادن کوچک و متوسط دست بخش خصوصی واقعی است. تعدادی از معادن بزرگ ما هستند که تعداد آنها هم خیلی کم است و شامل جارمدو، گل‌گهر، سنگان، انگوران در رویو و در رابطه با مس معادنی مثل سرچشمه و معادن محدود دیگر، در اختیار اپیمدیرو و دولت است. معدن سنگان تا ۱۰ سال دیگر ذخیره ندارد و در مورد سنگان هم احیانا بعد از مرحله راه‌اندازی کارخانجات، به بهره‌برداران واگذار می‌شود. معادن جارمدو و گل‌گهر که دو معدن بزرگ ما هستند، سرمایه‌اش مربوط به شرکت سرمایه‌گذاری امید است که متعلق به بانک سپه است و می‌توان به نوعی گفت خصوصی است. اما چون سهام آن در بورس عرضه می‌شود و بخش خصوصی زیادی هم آنجا سهام‌دار هستند، پس نمی‌توان این معدن را صددرصد دولتی دانست. با سیاست‌های اخیری که ریاست‌جمهوری به بانک‌ها و مؤسسات ابلاغ کرده است، این مجموعه‌ها باید از بنگاه‌داری بیرون بیایند. همین طور این مسئله به صندوق‌های بازنشستگی هم ابلاغ شده است. خوشبختانه به تدریج هم خروج این مجموعه‌ها از بنگاه‌داری شروع شده است. پیش‌بینی ما این است که آنها به زودی از بخش معدن خارج شوند. با توجه به نظر و دستور مقام معظم رهبری، نظامی‌ها در این حوزه حضورشان کمتر خواهد شد.

بخش خصوصی توان مالی این را دارد که معادن را در اختیار بگیرد؟

خیر. من صراحتا اعلام می‌کنم که بخش خصوصی توان حضور در بخش معادن را ندارد. باید سازوکار آن را بیان پیش کند. در غیر این صورت نگرانم که گچه اتفاقی برای معادن رخ خواهد داد. در اپیمدیرو تلاش می‌کنیم زنجیرها را درست کنیم. تلاش می‌کنیم در زنجیره تولید فولاد کارخانه‌های بزرگی مثل فولاد خوزستان یا ذوب‌آهن را که معدن ندارد، وارد کنیم و آنها را سیاه‌مدار معدن‌های کنیم و فروخته می‌شوند. ولی اساسا فکر می‌کنم در مورد خصوصی‌سازی، کل اقتصاد کشور چه در بخش معدن و چه سایر بخش‌ها، بخش خصوصی توان جذب این میزان سرمایه‌گذاری را ندارد. با توجه به اینکه ورود سرمایه‌دار به کشور خیلی کند است و اکثرا سرمایه‌گذاران خارجی در ایران حضور ندارند، دولت باید سازوکارهای دیگری در پیش بگیرد. با اقساط بلندمدت برای بخش خصوصی در نظر بگیرد یا مدیریت واحدها و مدل‌های دیگری را برای بخش خصوصی‌سازی در دنیا نجربه شده از جمله در آلمان و دیگر کشورها، استفاده کند.

معدن بورت ۱۳ اردیبهشت امسال منتجر شد. یک معدن خصوصی هم بود. چه اقداماتی برای حفظ حقوق کارگران این معدن انجام شد؟

شما می‌دانید که معدن بورت متعلق به ما نبود و حفظ ایمنی آن در حیطه وظایف معادن و اپیمدیرو قرار می‌گرفت. ما در جلسه‌ای با حضور آقای دکتر نعمت و اداره کل صنعت و معدن استان، مسئول این کار است. به‌عنوان کسی که مسئولیت داشتیم، در زمان بروز این حادثه از معادن اطراف

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت به موضوع خرید و فروش بی‌ضابطه مجوز معادن پاسخ داد

پایان سفته‌بازی در معادن

بساط فروش جواز معادن و سفته‌بازی در این حوزه برچیده می‌شود

لیلا مرکن

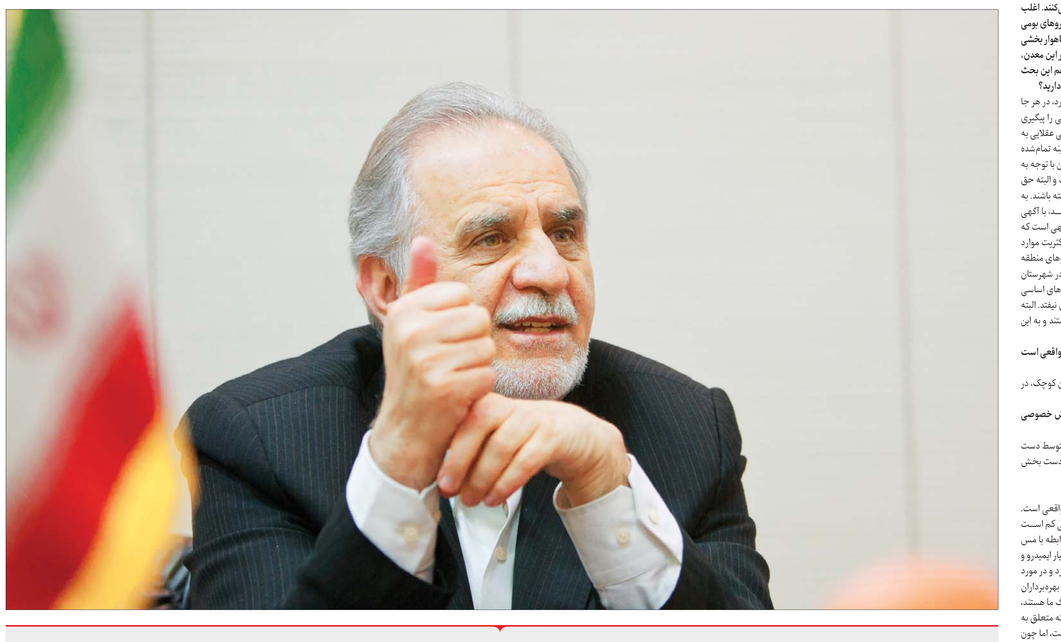

حضور نیروهای نظامی و صندوق‌های بازنشستگی به‌عنوان نهادهای غیرتخصصی در بخش معدن، این حوزه اشتغال‌زا را با مشکل مواجه کرده است. از قدیم گفته‌اند که کار را باید به کاردان سپرد. اما بعد از روزی که بخشی از اموال دولت در قبال بدهی‌های آن به مجموعه‌های مختلف و برای رد دین واگذار شد، برای اینمی معادن و جرائم اقتصادی تولید موادِ معدنی، مشکلات عدیدی ایجاد شد.

به گفته مهدی کرباسیان، مدیرعامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو)، بعد از دستور مقام معظم رهبری، شرایط لازم برای خروج نیروهای نظامی و صندوق‌های بازنشستگی از بخش معدن فراهم شده است. یکی دیگر از آفت‌های بخش معدن فروش جواز معادن در بازار است. خروفروش مجوزها تبدیل به کسب‌وکاری برای عده‌ای خاص شده است.

**برخی منابع مطلع بر این باورند که حتی جواز معادنی که ذخایر کافی ندارند یا دست‌نخورده مانده‌اند، با قیمت‌های مختلف دست به دست می‌شوند و این روزها بهای آنها به میلیاردها تومان رسیده است. این سفته‌بازی‌ها بدون‌شک در آینده نزدیک بخش معدن را دچار مشکل می‌کند؛ زیرا برای جبران هزینه‌کرد ناشی از افزایش بهای مجوزها، قیمت مواد معدنی‌ها هم باید بود؛ اما روزی که بخش خصوصی واقعی، برای فعال‌کردن این معدن مجبور شود قیمت ذخیره روی یا سرب را به تقسیم کار این بی‌انصاف بدهد، تولید با یک کسرنیروی